

دوره نهم تقلیدیه

جلسه ۲۹

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات لیل از دستور)

اول شهریور ماه ۱۳۱۲ - اول جمادی الاولی ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۵۷۳

قیمت اشتراک { سالانه } خارجاً ۱۰۰ ریال
داخله ۲۵ ریال
نک شماره : دو ریال

مطبوعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه اول شهریور ماه ۱۳۱۶ هـ (اول جمادی الاولی ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--|---|
| ۱) تصویب صورت مجلس. | ۵) بانسونهها و مهافخانه ها |
| ۲) بیانات آقای رئیس دائر پیراز تاسف و نثر از فقدان مرحوم موقر. | ۶) تقدیم لایحه اوقاف از طرف آقای کفیل وزارت معارف و اوقاف |
| ۳) تقدیم لایحه اجازه اعطاء اعتبار بودیه وزارت طوق از طرف آقای معاون. | ۷) شور اول لایحه راجع تعیین من متاملین |
| ۴) شور ثانی و تصویب لایحه تعیین تکلیف بعضی اشخاص | ۸) تقدیم لایحه قمره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه |
| | ۹) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

(مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز یکشنبه هشتم امرداد ماه را آقای مؤبد احمدی (منشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؛ (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد.

۲ - بیانات آقای رئیس دائر پیراز تاسف از فقدان مرحوم موقر

رئیس - در همان اوقاتی که ما از مختصر تعطیل خودمان استفاده میکردیم و امیدوار بودیم در چنین روزی باز اجتماع کرده از ملاقات یکدیگر بهره مند شویم - بانهایت تاسف می بینیم مردی شایسته و برازنده از جرگه ماغائب و مستدلی او در مقابل ما خالی و بی صاحب است (افسوس)

راستی فقدان مرحوم موقر بر ما سنگین و این ضایعه دشوار و ناپسند بود (صحیح است)

نه تنها علاقه قلبی و انس با آن مرحوم ما را فریفته ایشان ساخته بود بلکه ملاکات فاضله - روجه خوب رفتار نجیب و محبوب ایشان این تمایل قلبی و این احساسات احترام آمیز را در ما ایجاد و انشاء کرده است (صحیح است). مرحوم موقر زندگانی را از سفر و عدم شروع کرده بالیاقات و فعالیت خودش پیشرفت نموده کارهای بیک - آثار پاینده از خودش بجای گذاشت.

از کارهای عام المنفعه ایشان : مؤسسه برق اهواز و عبادان - لوله کشی آب مشروب اهواز بخی سازی عبادان و کشی رانی بین عموره و اهواز است - بآستانه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه السلام دو دستکاه چراغ

این مذاکرات مشروح بیست و نهمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ اردیبه ۱۳۰۸)

دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

برق تقدیم کرد - و از خود آثار روشنائی و عمران باقی گذاشت (خداوند رحمتی کند)

در این موقع از این اتفاق میل دارم تجربه و نتیجه گرفته وجود مفید او را در يك موضوع اجتماعی و فلسفی مورد آزمایش و مثال قرار دهم (بفرمائید) رؤسای شرایع و ادیان - مریبان اخلاق را دارم که کنندگان امور اجتماعی غالباً نصیحت فرموده اند: که با کازنیک و رفتار خوب روح و جان خودتان را آنجا استمرار دهید که نیکی و نیکوکاری برای شما ملکه شده و همیشه نصب العین باشد. حالا ملاحظه بفرمائید که همین عادات حسنه و ملکات فاضله در این مرگ هم بافقید مرحوم همراه او را در بیخودی هم بخیر و صلاح کشانید. آخرین وصیت او این است: که از نیک ایشان در شهر اهواز مریضخانه و زایشگاه تأسیس کنند و بعد از مرگش نیز بکارهای خیر و خوب او ادامه دهند (خداوند رحمتش کند)

خداوند توانا روح او را غریق رحمت فرماید و با عمل خیر او عوض و پاداشی دهد که متناسب با عظمت و کبریائی خودش باشد و ما را هدایت فرماید که برای جامعه خودمان نافع و برای مملکت مفید و خادم باشیم (انشاء الله)

چون مدتی از این حادثه گذشته و بعلاوه کار کردن و ابقاء وظیفه نمودن برای آن مرحوم بقدری طرف رفیت و علاقه بود که ما اگر بخواهیم بایشان احترامی کنیم که با میل و انتظار ایشان ملایم و مناسب باشد مرجع این است که بکارهای خودمان بپردازیم و شروع بدستور تقاضای (صحیح است) آقای معاون وزارت طرق

۴- تقدیم لایحه اضافه اعتبار بودجه وزارت طرق از طرف آقای معاون

معاون وزارت طرق (آقای عامری) - لایحه ایست راجع بتقاضای اضافه اعتباری بودجه طرق که تقدیم می کنم.

يك مهمانخانه وارد می شود و شاید در آنجا معادل دو تومان سه تومان پنج تومان ده تومان بدهی پیدا کند و این هم مسافری اگر نظری نداشته باشد پول هم داشته باشد بدهی خودش را البته می دهد و نمی گذارد که صاحب مهمانخانه اموال او را توقیف کند و نگاه دارد تا او بدهی خودش را بردارد در مقابل يك وجه مختصری. ممکن است يك مسافری پانصد تومان هزار تومان لوازم سفر داشته باشد در مقابل يك وجه قبلی امانت او را توقیف کند بعلاوه این جا استثناء قائلی نشده بلکه این لوازم سفر را تا چه اندازه می تواند نگاه دارد و تا چه اندازه او می تواند ببرد این است که بنده استدعا میکنم توجه داشته باشند بهمان اندازه که او بدهی دارد از اسباب او توقیف کنند که بعد اسباب زحمت نشود فرض بفرمائید در مهمانخانه و در راه غالباً آن جاهائی که امشش را مهمانخانه می گذارند يك قهوه خانه یست که يك اسباب و لوازم مختصری دارد و غذای مختصری تهیه میکند و امشش را می گذارد مهمانخانه مسافر هم طبیباً بهم ن جا وارد می شود بسا می شود که صرفه مهمانخانه چی در آن است که این اسباب و لوازم این شخص را بگیرد و صورت حسابش را هم تحویل نهد و مردم را بزحمت بندازد که بایند و يك صورت مجلس تهیه کنند و اسباب را تحویل بدهند کسی هم نیست در آن جا که این صورت مجلس را تهیه کند گر هم بعد باید ادعا کند که اسباب مرا بنده قیامتش پانصد تومان بوده دوپست تومان بوده چون صورت مجلسی در این نیست (وزیر عدلیه - می فرمائید چه میکنند) و کسی هم امضا نکرده و حسابی در کار نبوده آن مهمانخانه چی زیر بار نمی زود و این اشکالش بیشتر است. عرض کردم خوبست معادل همان بدهیش اسباب را نگاه دارند و توقیف کنند چون اشکال بدش بقیده بنده زیادتیر است آن کشمکش های بدی زیادتیر خواهد شد آنوقت بالاخره محتاج باصلاح این قانون خواهد بود ولی اگر معادل همان بدهی یا يك چیزی علاوه تر از اسباب آن مسافر توقیف بکنند بهتر از این است که بعد مقامات مربوطه و صالحه را زحمت بدهند برای يك کشمکشی که بین مهمانخانه چی و مردم واقع

شده است و شاید حقوق يك جمعی در این ضمن ایصال بشود.

وزیر عدلیه - بیانات نماینده محترم دو قسمت داشت - سوالی هم که بنده کردم که چه باید کرد ایشان يك اشکالی را کردند بدون اینکه بتوانند يك راه حلی پیدا کنند و يك کمکی ببنده و آقایان کرده باشند بنده هم از قسمت دوم میگیرم بعد بقسمت اول میرسم می فرمائید که در راهها يك کسانی باسم مهمانخانه محلی دائر می کنند آن وقت يك اختلافی پیدا می شود و اسباب مسافرا در آن جا نگاه خواهند داشت و صورت مجلس هم اغلب نمیشود نوشت بعد ممکن است آن شخص آن جا را بهم بزند و برود و اسباب او زیادتیر قیمت داشته باشد بعد يك مشکلائی تولید می شود. خوب فرض می کنیم که تا یکدرجه هم بیانات ایشان درست باشد نتیجه اش باید این باشد که اگر مسافر محترم در همان قهوه خانه باسم مهمانخانه رفت و منزل کرد و چیزی خورد و شیی ماند و مبلغی بدهکار شد پول نداده حرکت بکند برای اینکه ممکن است این فرمایشاتی که می فرمائید بدانین قضایا هم پیش باید بعلاوه عرض میکنم که عملاً صاحب مهمانخانه نمی گذارد که يك مسافری یا او ایفلور معامله کند پس اگر از این مقدمات می خواهید این نتیجه را بگیرند که در مهمانخانه ای خارج از شهرها حتی ندهند صاحب مهمانخانه که باید و آنچه را که مطالب هست در مقابل اسباب از مسافر نگاه دارد اگر باین نتیجه می خواهید برسید که بنده نمی توانم موافقت کنم گمان میکنم آقایان هم نتوانند موافقت کنند برای اینکه در هر حال آن شخص هم که می رود در این راهها مهمانخانه تهیه می کند و مسافر می پذیرد او هم باید زندگانی کند و باید گذاشت که يك مسافری باید و مال او را ببرد. راجع بقسمت اول بنده کاملاً با آقا موافقم که مالی را که توقیف می کنند معادل با مبلغ بدهی باشد حتی نگفته هم خیال می کنم باید عمینطور باشد غیر از این هم ما نمی توانیم تصور کنیم و نویسیم بهر حال اگر باین ترتیب باز مایل باشند آقایان بنده هیچ اشکالی نمی بینم که این جا يك عبارتی يك کلمه نوشته شود که از خروج اشیاء و امانیه متعلق بار معادل بدهی (صحیح است) البته معلوم است اگر يك

کسی بایک جامعمانی که اسباب و مخویات آن باشد تومان ارزش دارد بهمانخانه وارد شد یک اختلاف حسابی هم با صاحب مهمانخانه دارد سر دینومان البته این را بنده حرفی ندارم که باید معادل همان بدهی از اسباب او نگاه دارد همینطور هم باید باشد در این قسمت حرفی نیست اما قسمت دومش را نمی توانم موافقت کنم.

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - بنده در شور اول این لایحه عرض کرده که از طرف صاحبان مهمانخانه ها و رستورانها تعدیات زیادی بعمل می شود از بابت کرایه منزل و قیمت غذا و اینها این بود که بنده پیشنهادی تقدیم کردم که بلدیهای هر محل قیمت غذا و کرایه منزل را هم در هر هتل معین کنند و مهمانخانه ها و رستورانها هم از میزان آن قیمتی که بلدیها معین کرده اند نباید تجاوز کنند متأسفانه در کمیسیون عدلیه مطرح شد و آقای وزیر عدلیه موافقت فرمودند ولی بنده در عقیده خودم باز باقی هستم که قیمت اغذیه و کرایه منزل باید معین شود و الا صاحب مهمانخانه و رستوران بدخواه خودش هر چه دلش خواست برای اغذیه و کرایه منزل قیمت معین کند آنوقت وقتی هم که مسافر می خواهد بیرون برود این شخص اجحاف بکند و اسباب زحمت بشود این دور از انصاف است یا اینکه باید در این نبحره یک قیدی بگذاریم برای انجام مقصود بنده که قیمت غذا و غیره را با اطلاع بلدی هر محلی اعلان و در هر محلی که مسافری بخواهد آن را به پند الصاق کرده باشد در هر صورت بنده عقیده ام این است که باید صاحبان مهمانخانه ها و رستورانها را آزاد گذاشت که هر قدر میلشان است قیمت برای اغذیه و کرایه منزل معین کنند که نسبت به مسافر تعدیاتی بشود.

وزیر عدلیه - معلوم میشود که بین بنده و نماینده محترم اصلاً اینطور مهورد شده است و شاید آقایان اینطور تصور کنند که حتی شاید نیانی شده که باینکه ایشان عضو و رئیس کمیسیون هستند تمام فرمایشاتی را که آن جایی کند و ظاهراً آنجا قانع می شوند باز وقتی می آید به مجلس باز آنرا از سر می گیرند مطلب را

دارد اعمیت دارد و مقتضی است که وارد در زندگانی کسی و تجارتنی مردم بشود ولی در هر قسمتی این نباشد و آنوقت فردا باید بیایم و برای کفش و کلاه هم قیمت معین کنیم و میگویند چطور می شود که فلان و فلان قیمت داشته باشد برای مهمانخانه باشد ولی برای کلاه فروشی نباشد کفش فروش آزاد باشد. بنده موافق نیستم و خیال میکنم که آقایم زیادتر از این اصلاً این موضوع را دنبال نکنند. (صحیح است - کافی است)

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای بیگلریک با ماده اول موافقت دارید قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند) تصویب شد. توجه آقایان را جلب می کنم که ما برای رأی نود و شش شخص حاضر لازم داریم در مجلس و در این فواصل بنده را باشکال بندازید. ماده دوم قرائت میشود: ماده دوم - هر کس در مهمانخانه یا رستوران وجاهای مانند آن وارد شده و پس از پیتونه یا صرفه غذا و غیره باستاد نداشتهن مالی از تأدیبه کرایه منزل یا قیمت چیزهایی که مصرف کرده خودداری نماید علاوه بر محکومیت حقوقی بجنس تأدیبه از هشت روز تا یازده روز محکوم خواهد شد.

رئیس - اشکالی ندارد؟ (گفته شد - خیر) آقای بیگلریک با ماده دوم موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات است. مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) آقای بیگلریک با مجموع این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد.

وزیر عدلیه - البته آن معادل بدعی او هم اضافه شد بر عبارت

رئیس - بنی بی

مخبر - صحیح است

(۳ - تقدیم لایحه اوقاتی از طرف آقای کتیل وزارت معارف)

رئیس - آقای کفیل وزارت معارف

کتیل وزارت معارف (آقای دکتر عسقی) - لایحه قانونی اوقاف است که تقدیم میکنم.

۱ - شور اول لایحه راجع به تعیین سن متاهلین | رئیس - خیر کمیسیون عدلیه راجع بسن متاهلین - شور اول:

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۸۶۵۰ دولت راجع به اشخاص غیر رشید را مطرح و مورد دقت و مطالعه قرار داده پس از مذاکرات لازمه و مذاقه کامل در اطراف این قسمت بالاخره با موافقت آقای وزیر عدلیه ماده پیشنهادی بشرح ذیل اصلاح و علیهذا راپرت آن را برای تصویب مجلس مقدس تقدیم میدارد:

ماده واحده - از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقود و ایقاعات باستانی نکاح و طلاق محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که بسن ۱۸ سال شمسی تمام نرسیده اند اعم از ذکور و اناث غیر رشید بشناسند مگر آنکه رشد آنها قبل از اقدام بانجام معامله با عقد و یا ایقاع بطرفیت مدعی الصوم در محاکم ثابت شده باشد.

اشخاصی که بسن ۱۸ سال شمسی تمام رسیده اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب می شوند مگر اینکه عدم رشد آنها در محاکم ثابت گردد. این قانون از اول شهریورماه ۱۳۱۲ بموقع اجراء گذارده می شود

رئیس - ماده واحده مطرح است آقای طباطبائی دیبا طباطبائی دیبا - اولاً چنانچه آقای وزیر عدلیه اشاره فرمودند بعضی مطالب در کمیسیون عدلیه مطرح می شود و یک مذاکراتی هم در اطراف آن می شود ولی بنده معتقدم که این مذاکرات غالباً در مجلس هم باید مذاکره شود. آقای وزیر عدلیه هم جوابی فرمایند و در صورت مجلس باقی بماند و البته عضویت بنده و افتخار ریاست بنده در کمیسیون عدلیه مانع این نیست که اگر در اقلیت ماندم در کمیسیون عدلیه و در یک لایحه مخالف شدم در مجلس به عرض آقایان برسانم. راجع باین لایحه و این ماده واحده هم بنده اساساً موافقم مگر رشید در مورد متاهلین موافق قوانین شرعی و مدنی یکی از ارکان معامله است که اگر یک طرف یا دو طرف معامله رشید

نشدند آن معامله اساساً صحیح نیست این است که اذاین نقطه نظر بنده باین لایحه موافقت دارم ولی مطالبی را باید متذکر شوم که آقای وزیر عدلیه هم متذکر باشند بدیهی است قانونی که از مجلس میگذرد اولاً باید فکر و تأمل اجزای آن قانون را کرد سابقاً يك قانونی از مجلس گذشته است در مسئله قیومت که رجوع شد به پارک پدایت هر محل که اگر کسی مرد و سفاری دارد باید به پیشنهاد مدعی العمومی محضر شرع رسمی قیوم تعیین کند و این قانون هم تا بحال اجرا شده است و در جریان هم هست ولی بنده عقیده ام این است که فقط پیشنهاد مدعی العمومی و تعیین محضر شرع برای حفظ اموال صغیر کافی نیست يك وسائلی میخواهد برای حفظ اموال صغیر و رسیدگی بحساب املاك و اموال صغار که ظاهراً تا بحال این مسئله چندان عملی نشده است و آنچه که بنده شنیده ام که تا امروز پنج هزار دوسیه است که از طرف مدعی العموم پیشنهاد شده و قیوم هم تعیین شده هنوز هم بحساب آن صغار رسیدگی نشده است و بحساب آن قیوم رسیدگی نشده است این است که بنده تذکر می دهم اگر خوبست آقای وزیر عدلیه وسائلی اجرای این قانون را فراهم کنند فرض بفرمایند در مسئله رشده که سابق بر این یازده ساله بود اشخاص یازده ساله قیوم داشتند حالا که هیجده سال شده است البته اشخاص زیاد خواهند شد اگر هزار نفر بودند دوهزار نفر خواهند شد این است که بنده عقیده ام این است که مدعی العموم که پیشنهاد میکند و از محضر شرع که قیوم معلوم می شود لافل بحساب اموال آن صغیر هم کاملاً رسیدگی کند حالایك اداره مخصوصی بکند یا پارک این کار را بکند عقیده بنده باید کاملاً بحساب رسیدگی کند و فلسفه این قوانین هم عملاً معلوم شود والا هیچ فایده ندارد بمحض اینکه قیوم تعیین شود اموال صغار هم حیف و میل می شود و از این قانون هم نتیجه گرفته نمی شود.

وزیر عدلیه - تذکراتی که نماینده محترم دادند البته اساساً خیلی بجای است و مطالبی هم بود که خودم در کمیسیون خدمت آقایان عرض کردم یعنی مشکلاتی که در کار قیومت بود بنده به آقایان عرض کردم که يك وقتی بود

میخواهد و هیچ معامله غیر منقولی را قیوم اجازه ندارد بدون اطلاع پارک بکند پس تصدیق بفرمایید که این علیات بکفندی فایده دارد (صحیح است) بکوقت هست که يك صاحبی باید بکند قیوم و مصلحت هم هست اما حالا که نمی تواند پیش خود این کار را بکند و باید مراجعه بکند يك مواردی هست که کاملاً در تحت انضباط و در تحت نظرمات فقط يك چیزی را که هنوز ما نتوانستیم تهیه کنیم آن هم رسیدگی به حساب است و الا انتقال دادن اموال غیر منقول صلح کردن و این چیزهایی که اوقات مهمی در زندگانی مالی صغیر و محجور دارد بطور کلی آنها تمام در تحت نظر ما و با اداره پارک است که البته خود آنها يك قدمهایی است که برداشته شده است حالا چون به آن مقصود اصلی نرسیده ایم بی انصافی خواهد بود که بگویم تا وقتی که آن شکل کاملش اجرا نشده است این قدمهایی که برداشته شده است بی فایده است در هر صورت بنده باز عرض میکنم و خیلی خوشوقت هستم از اینکه این مسائل مذاکره شد و آقایان هم یادآوری کردند و البته همینطور که عرض کردم همیشه در کارها میبایستی مسئله زمان و تدریج را هم در نظر داشته باشیم (صحیح است)

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده خواستم يك استدلالی از آقای وزیر عدلیه کرده باشم و آن این است که اینجا قید شده است اشخاصی که پس هیجده سالگی رسیده اند بنده خواستم به بنم که این ورقه هویتی که در دست اشخاص است مدرك و سند همان ورقه سجل احوال است که ارائه میدهد یا اینکه چیز دیگری هم هست برای اینکه این موضوع بقیه بنده البته بنظر اینطور میرسد که ورقه سجل احوال کافی است خواستم به بنم اینطور است تاخیر و همینطور در بعضی محاکم جزائی این مسئله تصادف کرده است که يك کسی ورقه سجل احوالش شانزده سال یا عقده سال بوده است و حال آنکه اگر پس ۱۸ سال میرسد مطابق قوانین جزائی البته جزای جرمی که مرتکب شده شد بدین می شود و این دلیلی از محاکم مورد اختلاف واقع شده است بنده در این موضوع میخواستم يك استدلالی کنم.

وزیر عدلیه - بنده خیلی متأسف هستم که باید عرض کنم که مانعی نوانیم در تمام موارد پاسناد سجای اعتبار رسمی بدیم این را اولاً بگویم بدیم جواب عرض میکنم آقایان میدانند و محسوسات را هم البته نباید انسان کنار بگذارد آقایان میدانند که اوراق سجل احوال وقتی که داده شده است در دو موقع بدو نظر بدش يك اشکالات بزرگی از اول بوده و حالا هم هست بکده در وانی که میخواهند رأی بدهند برای انتخابات برای اینکه سن خودشان را برسانند بحدی که قانون اجازه داده است سن خودشان را زیاد کنند يك بچه ۱۶ ساله سن خودش را بیست سال نوشت این یکی از بکطرف دیگر وقتی که قانون نظام وظیفه آمد بکده از برای اینکه سنشان را بگذرانند از حدود نظام وظیفه آمدند و سنشان را برخلاف واقع گفتند بهمان مناسبت و همین علت بود که ما ناچار شدیم که این کار را بکنیم که اگر راجع باور نظام وظیفه اختلاف سن مؤثر باشد و از راه محاکم میخواهند کاری بکنند ترتیب اثر نمیدهم و الا با کمالات هویت بکده میباید و شهادت میدهند که فلان شخص در فلان تاریخ متولد شده و همین صورت او را از نظام وظیفه رد کنند ولی البته مصالح امور مملکت را نمی توان باین حرفها از بین برد (کازرونی - پس بطور باید تعیین کرد) اولاً اجازه بدید از آقای وزیر هم آنوقتی که سجل احوال نبود اگر میخواست يك محکمه در يك مسئله - من کسی را همین کند چه میکرد (یکی از نمایندگان - نظری) خوب نظری نبود از روی قیافتنها هم نبود ممکن بود تمام آن مراتب و مراحل که این آدم سیر کرده از برای معلوم کردن اینکه این آدم سنش چقدر هست بدست آورد و وسائل این هم زیاد است و گاهی هم عکس میشود قبول دارم ولی همیشه بنده می بینم و می شنوم که يك اسنادی باین ترتیب در دست اشخاص هست که با از نقطه نظر ورود در حوزه انتخابات و با برای قرار از خدمت سربازی آمدند و اسنادی تهیه کردند آنوقت هم میخواهند در يك مسائلی راجع برسد و امثال آن بنده آن اسناد را قطعی بدانم البته در بعضی

وارد هم صحیح است ولیکن همه اوراق اینطور نیست که برای ما يك اماره قوی حساب شود اگر فرض بفرمایید امروزین دوبرادر دعوی بود در خصوص اینکه مطابق وقتنامه که فرضاً مورث اینها نوشته است اولاد ارشد باید منولی باشد و اینها هم از نسل آن مورث هستند بین اینها اختلاف واقع میشود که کدام ارشد هستند اگر آمد و رفت در يك مجلس و گفت من پنجاه و چهار سالم است سند هم در دستم است سجل احوال هم چسکار کشد صادر می کنند پنجاه و چهار سال و بدستش میدهد در صورتی که این پنجاه و سه سالش است و آنطرف دیگر پنجاه و سه سالش بیشتر است آنوقت ما بیاییم روی همینکه این شخص رفته است و باین سهولت يك همچو ورقه را گرفته است بگوئیم که این اولاد ارشد است و قیومت هم باین شخص میرسد از خود شما میبرسم که ما چه باید بکنیم پس ما ناچاریم که خیلی دقت کنیم و تحقیق کنیم. باینجهت ناچاریم خیلی دقت کنیم و همینطور است که در این اواخر در یکی از محاکم در يك امر جنالی همین اختلاف پیدا شد تمام شهود شهادت دادند بر اینکه من او پیش از هیجده است قابل هم بوده بکنفر قانای شما تصور میکنید هیچ میدانید که چقدر تفاوت میکند قضیه اگر سنش را بگیرند از هیجده بالا تر حکمش اعدام است مثل اینکه محکمه هم حکم اعدام داده است و اگر سن را یکسال پایین تر حساب کنند مجازاتش فقط حبس تأدیبی است عرض کنم آقا ما مجبور هستیم دقت کنیم البته يك قسمت از اوراق هم هست که سندیت دارد و آن اوراقی است که در موقع تولد صادر شده است الان که دارد مرتب میشود وقتی که يك کسی بدنيا میاید ورقه سجل احوال برایش میگیرند بدون کفنگو سندیت دارد و محل اطباء نشان است نه این است که تصور بفرمایید که بر اداره سجل احوال اشکالی هست آقا مردم هم میخواهند فرار کنند و واقعاً بعضی اوقات میشود که خود شخص هم سن خودش را درست نمیداند با یکی دو

سال تفاوت ممکن است بگوید بنا بر این ما فقط باورای سجل که در موقع بدنيا آمدن گرفته شده رسمیت میدهم و در غیر آن بایستی تحقیق کنیم مثل آنوقتی که سجل احوال نبوده است.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده در موضوع بود که میخواستم عرض کنم يك موضوع در اصل فلسفه این قانون بود چون مطابق هر منطقی تمامین بایستی دارای رشد باشند در هم يك رشد جسمانی است و يك رشد عقلانی که تقریباً با هم مربوط و متناسب هم هست و این رشد بر حسب تفاوت اقلیم و وضعیت روی کره متفاوت میشود بر حسب طبش آفتاب بقسمتهائی که سکنه دارد نهو نبات و حیوان و انسان فرق دارد مثلاً نقاطی که در خط استوا واقع است و قوسی درجه بطرف جنوب و شمال برود نهو نبات و حیوان و انسان زیادتر است و هر قدر که دورتر میشود بطرف جنوب و شمال بواسطه اینکه آفتاب درست نمیتابد و بطور انحراف نور میدهد نهو انسان دیر تر میشود و این يك موضوعی است محسوس و طوری نیست که اختلاف داشته باشد بنا بر این به عقیده بنده رشد و نمو به جهت وضعیت محل و اقلیم تفاوت میکند نمیشود تمام روی کره يك قانون برای رشد بنویسند زیرا که ممکن است جاهائی باشد که شخص بچهارده سالگی که رسید رشد داشته باشد و یکجائی هم باشد که در بیست سالگی هم رشد نداشته باشد برای اینکه آفتاب درست نمیتابد بنا بر این به عقیده بنده هم رشد شرط حتمی معامله است لکن از روی تفاوت مناطق باید دید معین کرد حالا بنده سؤالی که دانستم این است که میخواستم به بنده در این قانون از روی چه فلسفه و روی چه تقییمی سن هیجده سال شده است روی چه تناسبی با نقاط دیگر روی زمین که رشدشان یکجا هیجده سال و یکجا هفده و یکجا بیست سال است این معین شده است به عقیده بنده مطابق وضعیت منتهیه که ما درش واقع هستیم که ایران است سن ۱۸ زیاد است زیرا که در ۱۶ سالگی

رشد هست و این يك عرض بنده است و عرض دیگر بنده این است که مثلاً رشد چون متناسب با رشد جسمانی هست باید با دکترها و اطباء هم مشورت شود و میخواهم به بندهم در این قسمت مذاکره شده بانه این دو موضوع موضوع سوم آن سؤالی بود که آقای مالک کردند و آقای وزیر عدلیه جواب دادند این خیلی اسباب اشکال میشود اگر چنانچه مدارك و اسناد دولتی را ممالک قرار بدهیم و از آنطرف قانون بگذاریم و اثبات يك موضوع را شرط کنیم که باید این ثابت شود که این فلان سن را دارد و از آن طرف هم میخواهند اسنادی که از اداره سجل احوال در دستشان است سندیت ندارد پس چطور باید ثابت کنند برای اینکه همینطور فرمودند ورقه سجل را گرفته است شاید شاهد هم همینطور آمده و شهادت داده باشد. من که میخواهم ستم را هیجده سال تعیین کنم همسایه ام را هم میآورم شهادت بدهد چون نا حالا قانون نداشتیم اشکال نداشت ولی این را که عرض میکنم برای این است که بعد در دفتر اسباب زحمت و اشکال میشود که آن صاحب دفتر باید بفهمد که این رشد است یا نه چطور میفهمد ورقه هويت که مالک نیست شاهد ساختن هم که اشکال ندارد چند نفر از همسایگانش را جمع میکند و میآورد و ورقه هويت میگیرد آنوقت مدیر دفتر و دفتر بایستی در محظور بیفتند بنظر بنده بایستی يك چیز را مدارك قرار بدهید که هم فسهلی در کار بشود و هم خبط و خطائی درش پیدا نشود.

ولبر عدلیه - سن ۱۸ که ملاحظه بفرمایید در خبر کبیرون نوشته شده است و سؤال فرمودید که از روی چه ماخذ انتخاب شده است این نتیجه مذاکره در کبیرون عدلیه است لایحه دولت را اگر ملاحظه بفرمایید سن ۲۰ سال بود و روی ترتیب کلی که تقریباً در تمام دنیا معمول است که سن ۲۰ در اغلب جاها سن رشد است و بعضی جاها ۲۱ و بعضی جاها خیلی نادر و رشد را ۲۳ فرزند داده اند حالا نمیدانم قانون آنجا تغییر کرده است یا خبر تا چند سال پیش که اطلاع دارم ۲۲ سال قرار داده بودند و در ممالک شمرده اروپا و امریکا وقتی بروید

عموماً سن رشد ۲۰ و ۲۱ است و ما هم ۲۰ را مدنظر گرفته بودیم و پیشنهادمان این بود که بایستی يك نظر دیگری اتخاذ شد و بنده هم موافقت کردم برای اینکه دلالتش هم يك دلالتی بود که تبعیتش را بنده بر خودم لازم دانستم در آنجا ادله اقامه شد همانطور که آقا فرمودند وقتی در اروپا سن را ۲۰ و ۲۱ قرار دادند دو الی سه سال در مشرق زمین قطعاً باید زودتر قرار داد برای اینکه مشرقی زودتر نمو میکنند از کیکه در نقاط سرد سیر است پس بنا بر این در سوال را می شود مطابق این نکته کمتر حساب کرد يك نکته دیگر که اظهار کردند این بود که اساساً سبب زحمت خودمان هم خیلی خواهد شد در کار قیومت که راجع به من موضوع بود که موضوع قیومت پیش آمد و بنده آن عراض را که چند دقیقه قبل عرض کردم در کبیرون هم عرض کردم شما وقتی که می آید رشد را سن ۱۸ قرار میدهند تا این سن میگوئید که این صغیر است بکنده معینی بایستی تحت قیومت در بایند ولی وقتی که خواستید تا ۲۰ کنید بکنده بیشتر می شود پس شما بهتر این است که با اینکه وسایلمان امروزه کافی نیست يك بار بیشتری را بردوش نگیرید و این هم يك مطالبی است که البته قابل تصدیق است یکی دیگر هم راجع بخود اشخاص است که البته از برای آنها هم يك زحمتی است حتی الامکان باید زحمت را در وقتی وارد یآورد که احتیاج مقتضی این است که این زحمت وارد یآورد چنی روی يك قمع بیشتری روی این دلالت بود که آدمم ۱۸ را قرار دادیم حالا البته يك دلالت استحصانی هم ذکر کردند آقایان که این تطبیق میکند با آنچه که در قانون نایب نوشته شده است و آن سنی است که حقی داده شده است راجع بامر نایب یکی دو قانون دیگر هم هست قانون مجازات که ۱۸ را سن رشد قطعی جزالی قرار میدهد خوب آنها را البته می شد برایش دلیلی آورد که اگر آنها هم خوب نیست ممکن است عوض کرد ولی در قانون اساسی ۲۰ سال قرار داده است و همینطور در قوانین دیگر مثل قانون انتخابات است ولی بیشترش روی آن دلالت اول بود که واقعاً وقتی در اروپا سن را ۲۰ و ۲۱ قرار دادند و ۲۱ از نقطه نظر نمو جسمانی متناسب است در نقطه های

مشرف زمین که اولاً دوسه سال زودتر میرسد یعنی در قاط گرمسیر درخود اروپا هم در قاط گرمسیرش زودتر نمو میکنند ناسردسیر. در مساله سجل بنده تکرار نمیکم دلالت را مشکلات را هم میدانم و لکن مجبور هستم که با اینهمه مشکلات تحقیقات هم بکنم البته مواردی هم می شود که مشکل می شود مسلم است که در خیلی از موارد هم اشکالی پیش نمی آید برای اینکه بعضی از فرائض هست اصلاً يك کسی که می آید و میگوید مطابق سجدش ۲۰ سال و ۲۱ ساله است خود قیافه هم نشان میدهد همه آنها ظاهراً نشان میدهد غرض خود این اماره قوی است اما اگر يك جالی امارات دیگری غرض داشته باشد تسامی داشته باشد تناقض داشته باشد آن را چه می شود کرد ناچار باید رسیدگی کرد بنده شرح دادم خودتان میدانید چطور سجل گرفته شده است باز هم عرض میکنم که آقایان اعضاء سجل احوال تصور نکنند که بنده میخواهم این جا بگویم که همه اش تفسیر آنها است خبر واقفاً دريك قسمتی هم هیچ بر آنها چیزی نیست اشخاص رفته اند و خودشان را معرفی کرده اند و تفاوت سن هم یکی دو سال تشخیص خیلی مشکل هست ولی از آن طرف هم نمیتوان ترتیب اثر داد باین اوراق

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم آقایان خوب است اجازه بدهند چون این قانون واقفاً خیلی مورد دقت است عرض کنم. آقای وزیر عدلیه رشید غیر از دبیر است رشید غیر از کبر است ممکن است که يك کسی چهل سال هم داشته باشد ولی رشید باشد رشید کسی است که جلب قمع و دفع ضرر از نظر عقلی بتواند برای شخص خودش بکند با جامعه. این تشخیص خیلی مشکل است و بنده عقیده دارم همان ۲۰ سال که در لایحه هم بود قرار بدهند بعلاوه این قانون هم جامع الاطراف نیست حالا که زحمتی کشیدید و این را تهیه کرده اید خوب بود يك قدری بسط میدادید و سایر چیزهایی که الآن دچار مشکلات است در جامعه ضمیمه میکردند مثلاً مساله انویس رانی يك ۱۴ ساله است که اگر انویس رانند

مردانی اخیراً از طرف نظریه نوشته شده است (روحی - آن قانون نیست) خوب فرق نمیکند و در آنجا محقق شده است و حالا میرسیم به آن قسمت قانونی که شما میخواهید بگوید الآن يك لایحه هست اینجا راجع يك قسمت از مسائلی که من جمله یکی راجع بشو فرها است و ممکن است در آن ضمن در آنجا آنها را صحبت کند ولی در این قسمت بخصوص که منحصرأ مربوط به رشد است مناسب ندارد که ما بیاوریم يك خورد چیزی درست بکنیم و مطالب دیگری را هم توی آن بپریم این قانون فقط راجع به رشد است و باید معذب روشن و واضح و ساده تصویب شود و اگر مطالب دیگری را لازم میدانند پیشنهاد بفرمایند تا در اطرافش مطالعاتی بشود در کمیسیون و اگر خیلی لازم بود همان پیشنهاد را در کمیسیون جزو قانون میکنیم و راجع به مساله (۲۰) و (۱۸) عرض میکنم بنده دلالت طرفین را گفتیم اول با همان نظری که جناب عالی گفتید ما موافق بودیم لایحه دولت هم است سال بود اینهم اظهاراتی بود که در کمیسیون صحبت شد حالا آقایان مصلحت میدانند که آنطور باشد پیشنهاد بفرمایند باز در کمیسیون مورد شور قرار میدهند و بد هم می آید بمجلس و در اینجا هر چه رأی دادند البته قبول است.

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم بنده در این قسمت سجل احوال عراقی داشتم چون در کمیسیون مطرح شد. آقای وزیر عدلیه بفرمایند يك موقعی ممکن است يك اشخاصی بهورد سجل احوال گرفته باشند. اولاً بنده عرض میکنم که گذشته است از آن مواقعی که اوراق سجل احوال می ماخذ گرفته شده تا حالا هشت سال ده سال است و سالها ازش گذشته است و حالا امروز شما يك قانونی آورده اید از تاریخ اول شهریور بفرمایند قابل اجرا است البته این راجع به معاملات است که از اول شهریور منعقد می شود بر فرض هم که در موقع انتخاباتی یا در مواقع دیگری هفت هشت ده سال قبل سجل هایی گرفته باشند و سن را تغییر داده باشند تأثیری در قانونی که فعلاً شما از مجلس میگذرانید ندارد و ما حضور می توانیم که يك ورقه سجل احوال را در تمام معاملات و در تمام

قضایا شناسیم این نمیشود همچو چیزی. در مساله تولیت که مثل زید آهم مربوط باین نیست در مساله تولیت اگر بنده بخوام بروم سجل بگیرم چون حقیقه ورقه هويت کاملاً در مملکت داده نشده نمیتوانیم من اشخاص را درست مطابق واقع معین کنیم من عقده سالم است میگویم چهل سال اینها صحیح است ولی این مربوط باین نیست که شما در مساله عا کاهات و معاملات سنی را که معین میکنید بفرمایید هر چه تا بحال واقع شده درست نیست و از سن هیجده بیهود لا یتغیر است و اینهم از اول شهریور بیهود است بنده تصور میکنم هیچ محظوری ندارد که ورقه هويت مدرک بشود منتهی فقط يك چیزی میتواند اضافه کنید برای اینکه ممکن است يك اوراق نقلی درست کنند مثلاً ورقه سجل احوال دیگری را يك کسی نشان بدهد بجای مال خودش و صورت سازی بکنند ممکن است يك چیزی اضافه کنید اینجا یعنی يك کلمه قیافه هم اضافه کنید که این کسی که ورقه هويت را می آورد به بینند قیافه اش هم هیجده ساله است یا نه محاکم هر کجا که ورقه هويت را می بینند قیافه را هم به بینند دلالت دارد یا خیر والا در محظور می افتید مساله نظام وظیفه هم مربوط باینجا نیست نظام وظیفه يك مساله است که تمام شده این اختلافات از چه تاریخی است ده سال فاصله اش است هر چه باید بشود شده و هر نقل و انتقالی باید بشود شده است و گذشته است و بنده تصور میکنم که این بسیار قانون خوبی است برای اینکه رشید را معین میکنند تکلیف معاملات را معین میکنند خیلی از اشکالات را مرتفع مینماید ولی این چیزی که میفرمایند راجع به ورقه هويت که نمیتوانیم آنرا مدرک تمام قرار بدهیم این يك محظور فوق العاده دارد برای کار مردم درست تأمل بفرمایید چون آن نظری که شما دارید که در ده سال قبل يك محلی واقع شده حالا که سجل احوال شما مرتب است و آن محظور هم از بین رفته که کسی بتواند سنش را کم یا زیاد کند بر فرض هم که يك دوازده ساله رفته در ده سال یا هشت سال قبل سنش را در سجل احوالی که

گرفته هیجده سال همین کرده خوب از آن تاریخ تا بحال چند سال گذشته و حالا آن دوازده ساله هیجده سال نوزده سال است گذشته است ورقه است حالا چرا آن ورقه مدرک نباشد بنده تصور میکنم خوبست که اینها را ملاحظه فرمایند.

وزیر عدلیه - قبل از هر چه بنده باید عرض کنم که آن پیشنهاد اول نوشته شده بود از تاریخ اول شهریور ولی آن مال پیش است برای اینکه تصور میشد که لایحه قبل از شهریور تصویب خواهد شد ولی حالا تازه شور اول این لایحه است و تمام است که تاریخ اجرائی نمیتواند از امروز باشد و البته بعد اصلاح خواهد شد اما راجع به مطلبی که آقا فرمودند بنده یاد آقا می آورم که اولاً بسیاری از نقاط مملکت هست یعنی عده زیادی از اهالی این مملکت هستند که سجل احوال نگرفته اند به بسیاری از اشخاص ورقه سجل داده نشده پس بنابر این تمام استدلال آقایانیکه خوب اگر این کار شده است در ده سال قبل شده است و حالا دیگر موضوع ندارد. تمام اینها از بین می رود مخصوصاً در مسئله زنها خود آقا هم میدانند کار اسناد سجلی خیلی مشککتر است و این اواخر چون بیشتر توجه باین بوده است که مردها سجل بگیرند برای خدمت نظام وظیفه بیشتر دنبال شده اند باین مناسبت نسبت به زنها کاری نشده است از این جهت خیلی از آنها سجل احوال ندارند و حالا که قانون ازدواج آمده است برای اینکه استعداد جسمانی و آنچه در عمل تا بعد از تشخیص داده شده شانزده سال بوده و در هر هرقه که رجوع کرده اند تشخیص باین بوده است که دختری که از شانزده سال کمتر دارد نمیتواند عقد بکنند و وقتی که اینطور تشخیص داده شده است حالا اگر موارد دیگری بعد از این تشخیص بشود بنده نمیدانم ولی چون این رژیم بوده است که رجوع بشود به طبیب می آیند سجل تازه میگیرند دخترهایی که با داشتن سن دوازده سال رسماً بقول آقا سجل احوال در دستشان است که هیجده

سالشان است خوب شما باین میخواهید ترتیب اثر بدهید و این هم عرض می کنم هیچ مملکتی هم از برای مقدور نبوده است و مقدور نیست که وقتی می خواهد يك كاری بکند ابتدا با شكالاتی برخورد وقتی که تمام تولد ها ثبت نشده و بعد شما میخواهید يك اوراقی بدهید دست اشخاص و بگوئید تاریخ تولد تو در فلان موقع بوده است این کار آسانی نیست. عرض کردم فقط استادی که در موقع تولد گرفته شده محل حرف نیست و حالا از همه اینها گذشته بنده نکاتم در قانون هم نیست که به چه وجه باین اسناد سجلی اثر نمیدهند نوشته ایم که بکلی کن ام بکن است. بنده عرض میکنم این را نمیشود يك سند رسمی قطعی داشت که بعضی اینک اظهار شده ما باین ترتیب اثر بدهیم والا فرض بفرمایید همینطور که گفتیم کسیکه سجل نگرفته است و پانزده سال یا شانزده سالش است و می بیند که این قانون آمده است و میگوید صفر هستی و معامله نمی توانی بکنی می رود يك سجل احوال هیجده سالگی می گیرد و از کجا میشود تشخیص داد و چه مانعی خواهد داشت داشت يك دختری است بسیار ترتیب از از کجا می فهمند پس ما باید همین طوری که عرض کردم باید در عمل منتهی درجه رعایت را بکنیم ولی اینهمه ظلمی که اینجا طرح شد در قانون نیست برای اینکه یکی از آقایان سؤال کردند و بنده آنچه شده جواب بدهم و البته ما در قانون ننوشتیم که به سجل احوال ترتیب اثر نمیدهیم خبر ما در آن متعده آله ها و در دستور العملها همین میکنیم که تا آن درجه که صلاحیت باشد و بضرر قانون تمام نشود البته مراعات میکنیم سجل احوال را ولی اگر بنشیند که يك امارت دیگری متقاضی بوده ما رضی بود بر خلاف آن سند بود ما ناچار خواهیم بود که قانون را ترجیح بدهیم و ورقه سجل را معتبر ندانیم **رئیس** - پیشنهاداتی که از آقایان رسیده است قرائت میشود.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری - پیشنهاد میکنم رشد ۱۷ باشد.

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا - پیشنهاد میکنم بعد از جلسه مکرر اینکه عدم رشد آنها اضافه شود؛ بطرفیت مدعی السوم

پیشنهاد آقای رهنما - پیشنهاد میکنم ذیل ماده واحده بطریق ذیل اصلاح شود: این قانون پانزده روز پس از تصویب مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده میشود **رئیس** - آقایانیکه با ورود در شور دوم موافقت دارند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. کار دیگری در دستور نداریم. **آقای وزیر عدلیه**

(۷- **تقدیم چهار فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه**)
وزیر عدلیه - آقایان فرمایند که حالا آخر وقت وقتشان را بگیرم خیر فقط چند لایحه است که تقدیم میکنم [۸- **موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه**]

رئیس - بانظار اینکه کمیسیون معارف لایحه اوقاف را اندازد کند و کمیسیون عدلیه هم کافی السابق برای مجلس کارهای قانونی آماده کند جلسه آینده را قرار میگذاریم برای چهارشنبه هفتم شهریور سه ساعت قبل از ظهر دستور لواپچی که حاضر میشود

(مجلس یک ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع به بدهی واردین به مهمانخانهها و پانسیونها

ماده اول - صاحبان مهمانخانهها و پانسیونها جاهای مانند آن حق دارند اداام که وارد یا مسافر بدهی خود را از بابت کرایه منزل و قیمت غذا و سایر چیزهایی که مصرف کرده نپردازد از خروج اشیاء و اثاثیه متعاقباً یا بدهی او جلوگیری کرده و در شهرها از مأمورین نظمی و در خارج از شهرها از مأمورین امنیه توقیف اشیاء مذکور را تقاضا کنند.

هرگاه معلوم شود که اشخاص فوق بدون حق مانع خروج اسباب یا اثاثیه شده و با توقیف آنها اقدام کرده اند علاوه بر جبران خسارت مالی مسافر یا وارد بجزای نقدی از پنجاه تا هزار ریال محکوم خواهند شد.

تبصره - حق استفاده از این ماده مخصوص کسانی است که قبلاً کرایه منزل و قیمت غذا و غیره را اعلان و در محلی که وارد بتوانند آنها را به بیبند الحاق کرده باشند.

ماده دوم - هر کس در مهمانخانه یا رستوران و جاهای مانند آن وارد شده و پس از بیرون رفتن و یا صرف غذا و غیره باستناد نداشتن مالی از تأدیه کرایه منزل یا قیمت چیزهایی که مصرف کرده خودداری نماید علاوه بر محکومیت حقوقی بحسب تأدیه از هشت روز تا پانزده روز محکوم خواهد شد.

این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه اول شهریورماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر